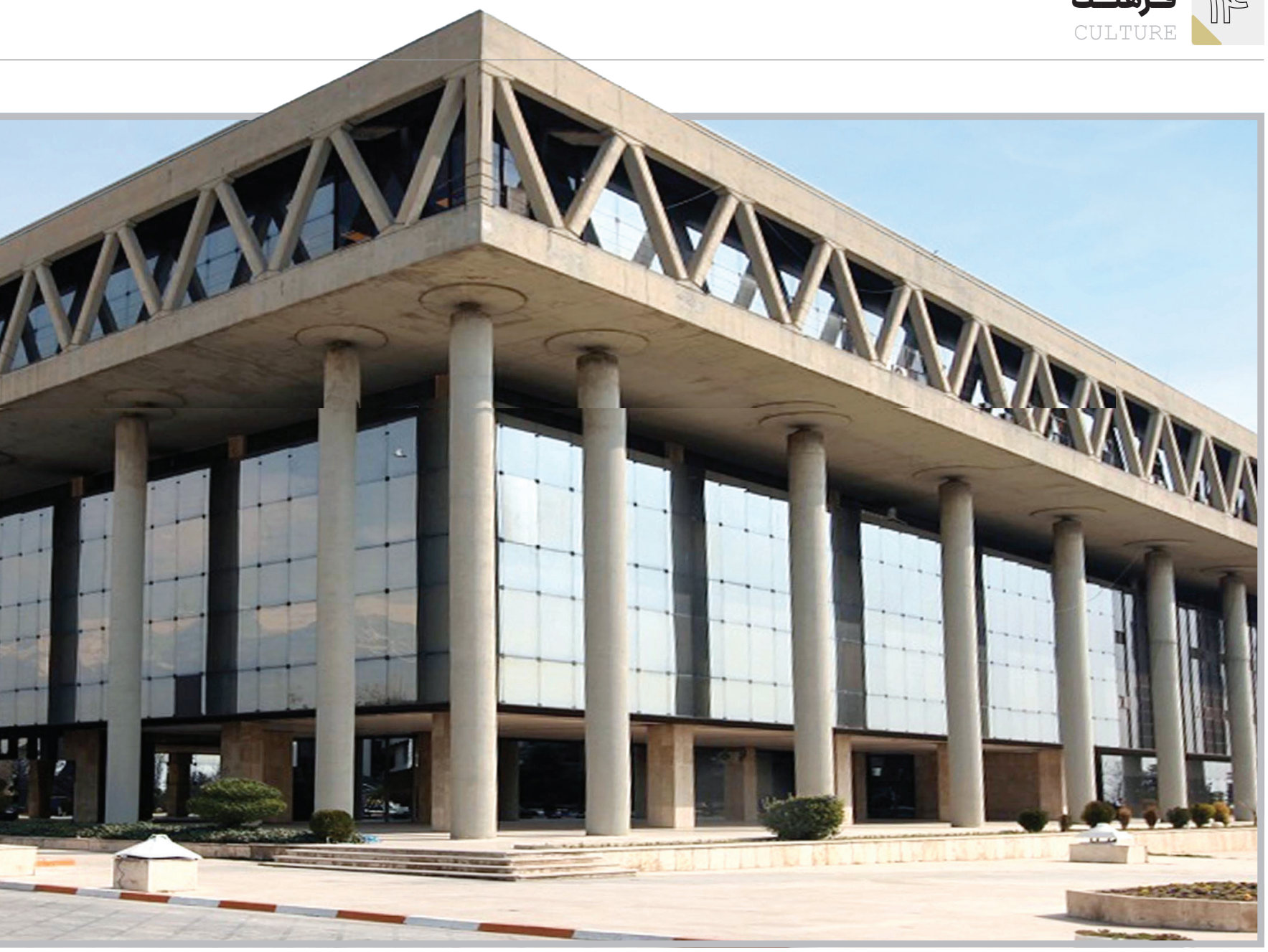

هفته تفرقه

در صداوسیمای ایران، نه منطق عرضه و تقاضا حاکم است، نه منطق مسئولیت و پاسخگویی

فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

صداوسیما روزهای عجیبی را از سر می‌گذراند و حاشیه پشت حاشیه ایجاد می‌کند. چند روز پیش در برنامه‌ای در شبکه «نسیم» با اجرای محسن افشانی، وزیر امور خارجه عربستان تمسخر شد. این شبکه البته پس از اعتراض‌ها، عذرخواهی کرد، در بیانیه‌ای «بی‌توجهی سهوی» خود در قبال «برخی خطوط سیاستی درباره کشورهای همسایه» را پذیرفت و از «تذکر جدی به تیم تولید» و «برخورد انضباطی با عوامل خاطی» سخن گفت. این اما پایان ماجرای صداوسیما با مسئولان عربستانی نبود. فردای آن روز در شبکه «افق» مجری برنامه از سفیر یمن پرسید: «وزیر دفاع عربستان به ایران آمد و با مقامات جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب دیدار کرد؛ واکنش‌تان چیست؟ ناراحت نشدید؟» سفیر یمن البته پاسخی هوشمندانه و دیپلماتیک به این پرسش داد. او از خوشحالی یمنی‌ها از شکل‌گیری روابط مثبت میان ایران و عربستان گفت و چنین مناسباتی را مایه خیر برای جهان اسلام و جهان عرب قلمداد کرد. با این همه، گویی صداوسیما به مصداق البته معکوس ضرب‌المثل «تا سه نشه بازی نشه»، بیراهه‌ای را که در آن گام برمی‌داشت رها نکرد تا بدین‌ترتیب در سومین گاف، ناگهان در برنامه‌ای ضبط‌شده سخنانی توهین‌آمیز خطاب به مقدسات اهل سنت بیان شود؛ امری که این‌بار حتی بسیار زودتر از آنکه خبرش به گوش عموم برسد، صداوسیما را مجبور به عذرخواهی، عزل مدیر گروه تولید و مدیر پخش شبکه یک و معرفی ۸ نفر از عوامل به مراجع قضایی کرد.

در بیانیه عذرخواهی سازمان نیز این «خطای نابخشودنی و مشکوک»، اقدامی «تفرقه‌افکنانه» و خلاف دیگر برنامه‌های این رسانه «در راستای تقویت وحدت امت اسلامی» و «حفظ وحدت و احترام به همه پیروان مذاهب اسلامی» معرفی شد. محسن برمهانی، معاون صداوسیما هم این اتفاق را «انتقام از رسانه ملی به‌دلیل پافشاری بر راهبرد وحدت اسلامی» دانست و در ضمن از این سخن به میان آورد که حتی اگر ثابت شود که پخش این برنامه سهوی بوده است، همچنان بغض و عصبانیت منتقدان از رویکرد تحولی این رسانه، فروکش نخواهد کرد. او البته توضیح نداد که چگونه چنین سهوی رخ داده است. در عین حال برمهانی از این ایده رونمایی کرد که ممکن است توهین به بزرگان اهل سنت بخشی از یک پروژه نفوذ باشد.

دستاورد رویکردهای فرقه‌گرایانه البته کاهش شدید مخاطب تلویزیون است؛ امری که دیگر بر کسی پوشیده نیست. نکته خنده‌دار اینجا اما این است که بودجه‌ها نه‌فقط کم نمی‌شوند، بلکه افزایش هم می‌یابند؛ چنانچه بودجه صداوسیما از ۲۶۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۳۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است، افزایشی بیش از ۱۳ برابری را تجربه کرده و معادل مجموع اعتبارات بودجه‌ای کل وزارتخانه‌های نفت، دادگستری، امور خارجه و میراث فرهنگی است و با وزارت جهاد کشاورزی برابری می‌کند

این اولین‌بار نیست

توهین به عقاید اهل سنت در صداوسیما البته بی‌سابقه نیست. در سال ۱۳۹۸ نیز اظهارات مداحی به‌نام احد قدمی که داماد پروین احمدی‌نژاد است، در ابتدای مراسم مولودی‌خوانی به مناسبت میلاد امام حسن (ع) منجر به عزل جواد رمضان‌نژاد، مدیر وقت شبکه پنج و چهار مدیر ارشد دیگر شد. همان زمان نیز شبکه پنج سیما، عمل این مداح را «خلاف سیاست‌های وحدت‌آفرین» این رسانه دانست و از «همه برادران و خواهران اهل سنت» عذرخواهی کرد. با این همه، مدتی بعد رمضان‌نژاد، رئیس بسیج صداوسیما شد و چند روز پیش نیز پیمان جبلی، حکم ریاست او را بر ساترا امضاء کرد.

اینها را بگذارید در کنار سابقه فعالیت‌های صداوسیما علیه دیپلماسی ایرانی و مذاکراتی که منجر شد به برجام. اینک نیز رویکرد صداوسیما را در قبال مذاکرات جاری می‌توان از همان دو برنامه‌ای که سخن‌اش رفت، تشخیص داد. مسئله این است که صداوسیما مدام روی سهوی‌بودن اتفاقات رخ‌داده مانور می‌دهد، اما از نظر بسیاری از ناظران، محتوای تولیدی این رسانه من‌حیث‌المجموع، محتوایی مغایر منافع ملی ایران است و در بخش‌های خبری و سیاسی، به طرزی معنادار، افکار گروه‌های تندرو و افراطی را نمایندگی می‌کند. از این منظر صداوسیما به‌ویژه از دوم خردادماه ۱۳۷۶ بدین‌سو برخوردی نامهربانانه با رؤسای جمهور منتخب مردم چون سیدمحمد خاتمی، حسن روحانی و اینک مسعود پزشکیان در پیش گرفته و در مواردی از ضدیت‌ورزی تام و تمام با پروژه‌های ملی و بین‌المللی آنها دریغ نورزیده است. در چنین تحلیلی، پخش کنفرانس برلین یا مخالفت گسترده صداوسیما با برجام را می‌توان بیشتر با همان جمله‌ای متناسب دانست که ۱۱ سال پیش علی یونسی، دستیار ویژه حسن روحانی بیان کرده بود: «صداوسیما در جایگاه رسانه اپوزیسیون نسبت به دولت عمل می‌کند. این در حالی است که جایگاه رسانه ملی، جایگاه یک رسانه اپوزیسیون نیست.»

آب‌رفتن مخاطبان، چاق‌شدن سازمان

دستاورد رویکردهای فرقه‌گرایانه البته کاهش شدید مخاطب تلویزیون است؛ امری که دیگر بر کسی پوشیده نیست. نکته خنده‌دار اینجا اما این است که بودجه‌ها نه‌فقط کم نمی‌شوند، بلکه افزایش هم می‌یابند؛ چنانچه بودجه صداوسیما از ۲۶۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۳۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است، افزایشی بیش از ۱۳ برابری را تجربه کرده و معادل مجموع اعتبارات بودجه‌ای کل وزارتخانه‌های نفت، دادگستری، امور خارجه و میراث فرهنگی است و با وزارت جهاد کشاورزی برابری می‌کند. بدین‌ترتیب می‌توان گفت، صداوسیما جایی است که نه منطق عرضه و تقاضا درباره آن موضوعیت دارد، نه منطق مسئولیت و پاسخگویی. مدیران سازمان هرچه می‌خواهند انجام می‌دهند و نقدها را نیز نمی‌پذیرند. نتیجه همه اینها می‌شود رسانه‌ای تنبل و فاقد خلاقیت که در بهترین حالت می‌تواند با پخش زنده فوتبال یا «پایتخت» مدتی کوتاه مخاطبان را مشغول کند.

این تقریب مذاهب اسلامی نیست

دیگرانی هم اتفاقات اخیر را نه سهوی که اعتقادی واقعی ولی تاکنون پنهان‌شده می‌دانند. نمونه‌اش احمدزیدآبادی که در یادداشتی در کانال تلگرامی خود به این اشاره می‌کند که نگاه منفعت‌جویانه‌ای که برخی به موضوع «تقریب مذاهب اسلامی» دارند، بدون پذیرش پیش‌فرض‌های کلامی که رهبران مذهبی شیعه و سنی موسس و مروج این جنبش در نظر داشتند، به چیزی «گذرا و چه‌بسا ریاکارانه و نفاق‌آلود» بدل خواهد شد و آن‌گاه دیر نیست زمانی که چنین مانند این روزها «واقعیت عقاید تقریب‌ستیز ریاکاران» به علتی آشکار شود: «فردی که در مافی‌الضمیر خود دشمن عقیده‌ای باشد، تاب مستوری آن را تا ابد ندارد و به‌محض یافتن فرصت مناسب، عقیده پنهان خود را آشکار می‌کند. این همان اتفاقی است که در صداوسیما اتفاق افتاده است.»

سابقه فعالیت در زمینه «تقریب مذاهب اسلامی» قدمتی ۱۵۰ ساله دارد. نخستین‌بار کسانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده، اندیشه اتحاد جهان اسلام را پیش کشیدند. بعدتر با تاسیس «دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه» در سال ۱۳۱۷، این فعالیت‌ها صورتی کلامی‌تر به خود گرفت. این نهاد را محمدتقی قمی با همکاری تعدادی از علمای الازهر در قاهره راه‌اندازی کرد و بدین‌ترتیب علمای شیعه و سنی در کنار هم گرد آمدند تا با استناد به آیاتی چون آیه اعتصام (و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید) و آیه اخوت (مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر

نگاه هم‌میهن

خودتان همه‌چیز را سیاسی می‌کنید

سوسن سیرجانی
خبرنگار گروه فرهنگ

بیش از ۳۰ سال از آن روزها می‌گذرد. روزهایی که ظهرها در شبکه یک سیما، پخش برنامه‌ای جدید به‌نام «سیمای خانواده» شروع شده بود. برنامه‌ای خانوادگی و با آیتم‌هایی مثل آموزش آشپزی، گلدوزی و گاه مصاحبه‌های پزشکی. بعد از مدتی، آیتم سریال هم به این برنامه اضافه شد. آیتمی که در زمانی کوتاه طرفدارانش از بخش نمایشی شبانه شبکه یک هم بیشتر شده بودند. ساعت پخش «سیمای خانواده» ساعتی بود که معمولاً بچه‌ها از مدرسه برمی‌گشتند و همراه خانواده مشغول خوردن ناهار بودند و با دیدن آیتم‌های این برنامه سرگرم می‌شدند. سریال‌هایی هم که برای این برنامه ساخته می‌شد، بیشترشان باکیفیت و ماندگار بودند. مثل «ماجراهای خانه شماره ۱۳» به کارگردانی اسماعیل میهن‌دوست که مجموعه‌ای از بازیگران جوان و میانسال را گرد هم آورده بود. یا در دهه ۸۰ سریالی مثل «همه بچه‌های من»، به کارگردانی مرضیه برومند که با دورن‌مایه داستانی ای که داشت، اتفاق ویژه‌ای در آن سال‌ها بود. «سیمای خانواده» رسالت مشخصی داشت، سرگرمی خانواده در میانه روز و انعکاس و حل مشکلات شایع در میان خانواده‌ها. ایده‌ای که اگرچه از شبکه‌های خارجی گرفته‌شده بود، اما چنان بر دل مردم نشسته بود که تا اواخر دهه ۸۰ از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیون بود. حتی بعد از آن، شبکه‌های دیگر هم مثل شبکه دو، یا شبکه تهران هم از این ایده استفاده کردند. میزان اثرگذاری «سیمای خانواده» تا جایی بود که هنوز هم تیتراژ خاطره‌انگیزش در ذهن بیشتر مردم مانده. تیتراژی که با این بیت شروع می‌شد: «در به روی هرچه تاریکی است می‌بندیم، قهرها را دور ریزیم و می‌خندیم».

در روزهای گذشته وقتی خبر توهین به مقدسات اهل سنت در تلویزیون به یکی از اخبار جنجالی روز تبدیل شد، تصور بر این بود که این اتفاق در یک برنامه سیاسی، خبری یا گفت‌وگومحور مذهبی افتاده باشد. اما با گردشی کوتاه در اخبار، واقعیتی عجیب خودش را نمایان می‌کرد؛ این توهین در خلال برنامه «سیمای خانواده» اتفاق افتاده. سوالی که در ذهن شکل می‌گرفت این بود که مگر این برنامه در این سال‌ها چه تغییری کرده که از یک برنامه لطیف خانوادگی، تبدیل به جایی شده که در آن به اعتقادات هم‌وطنان اهل تسنن توهین می‌شود؟

قبل از این خبر، دوباره هیاهوی دیگری به راه افتاد، درباره توهین به یک مقام سعودی در یک برنامه تلویزیونی. خبر را که پی می‌گیریم متوجه می‌شویم این توهین در برنامه‌ای طنز به‌نام «درنگ» در شبکه نسیم توسط محسن افشانی، مجری این برنامه صورت گرفته. این توهین خودش به اندازه کافی عجیب است، اما مجموعه‌ای که این کار را انجام داده‌اند شاید در حد و اندازه خود توهین عجیب باشد. محسن افشانی با آن سوابقی که در شبکه‌های مجازی از او به یاد داریم، در شبکه نسیم، سکان اجرای یک برنامه را برعهده دارد و در آن نقد سیاسی می‌کند. آن هم نقد سیاسی نه به‌معنای واقعی آن، به معنی تمسخر بی‌هویت مقامات کشورهای خارجی برای جذب مخاطب. اما از موضوع مجری که بگذریم، بازهم همان سوالی که درباره «سیمای خانواده» پیش آمد اینجا هم برجسته می‌شود؛ شبکه نسیم مگر با شعار نشاط و سرگرمی شروع به کار نکرد؟

سال ۱۳۹۲ بود که اعلام شد، شبکه‌ای جدید در حال راه‌اندازی است که قرار است در آن فقط برنامه‌های کمدی پخش شود. از «خندوانه» و «دورهمی» گرفته تا آیتم‌های طنز و مسابقات سرگرم‌کننده تلویزیونی. شبکه نسیم با قدرت و ایده‌پردازی، شروع به کار کرد و به سرعت تبدیل به یکی از شبکه‌های پربیننده برای مخاطب وفادار تلویزیون شد. اما در این سال‌های اخیر برنامه‌های پربیننده این شبکه یکی پس از دیگری تعطیل شدند. تلاش‌هایی برای ایجاد جایگزین برای «خندوانه» صورت گرفت. یا ساخت برنامه‌هایی آیتمی در دستور کار بود که هیچ‌کدام موفقیت سال‌های ابتدایی تاسیس این شبکه را تکرار نکرد. اما انگار این روزها رسالت شبکه نسیم تغییر پیدا کرده.

شاید این انتظار بی‌جایی باشد که یک برنامه تلویزیونی طی ۳۰ سال کیفیت‌اش را همچنان مانند روز اول حفظ کند، یا شبکه‌ای برای بازگشت مخاطب دست به تلاش‌های مختلف نزند. اما ماجرا حالا چیز دیگری است. وقتی درون‌مایه یک برنامه تلویزیونی خانواده و مسائل مربوط به آن است یا شبکه‌ای با تکیه بر نشاط و سرگرمی راه‌اندازی می‌شود، چرا باید وارد مسائل سیاسی و عقیدتی بشود؟ مگر مسائل سیاسی در برنامه‌های متعدد دیگر تلویزیون به چالش، نقد و بررسی گذاشته نمی‌شوند. چرا خودتان همه‌چیز را سیاسی می‌کنید؟